

## پیش‌خواران

**نظری بر حیات و شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی، در آیین‌ه اسناد**

## بازتاب‌ها و آثار یک «لطف خفی»

■ **شاهد توحیدی**



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از نام آن پیداست، «بازتاب‌ها و پیامدهای رحلت اسرارآمیز آیت‌الله سیدمصطفی خمینی» به روایت اسناد» را به

بازخوانی نشسته است. این پژوهش توسط سجاد راعی‌گلوجه انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته‌است. تار‌نامی ناشر در یادداشتی در باب موضوع کتاب، چنین آورده است: «تاریخ انقلاب اسلامی را به چند مقطع و دوره مشخص می‌توان تقسیم کرد: دوره نخست، شروع نهضت از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۳، که به تبعید امام خمینی از ایران ختم می‌شود. دوره دوم، شامل دوران تبعید حضرت امام از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ می‌شود. دوره سوم، اوج‌گیری نهضت اسلامی از رحلت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی تا شهر یور ۱۳۵۷ و بالاخره دوره پایانی از شهریور تا بهمن ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی. دوره مهم اوج‌گیری نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۶، با رحلت غریبانه و مظلومانه فرزند ارشد رهبر کبیر انقلاب اسلامی آغاز شد. به‌رغم امید و آرزویی که حضرت امام نسبت به ایشان داشتند، در فقدان وی صبوری کرده و آن را از الطاف خفیه الهی دانستند. آنچه در عمل محقق گردید، تحقق الطاف پنهان الهی برای نهضت اسلامی بود. زیر انتشار سریع خبر فقدان فرزند ارشد حضرت امام، سراسر ایران را در سوگ و ماتم فرو برد و در اقصی نقاط ایران، مجالس بزرگداشت و تجلیل از فرزند از دست‌رفته آن بزرگ منعقد گردید. اگر تا آن زمان بردن نام امام خمینی در فضای خفقان آلود آن دوره جرمی



► **شهید آیت‌الله سید مصطفی خمینی در دوران تبعید در نجف**

سنگین تلقی می‌شد، با این مناسبت آندوه‌ناک، مجالس ترحیم حاج آقا مصطفی خمینی به محلی برای یادآوری مساجدات رهبر دور از وطن انقلاب تبدیل شد…»

سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی در معرفی‌نامه‌ی دگر، مطالب این پژوهش را به ترتیب بی‌امده باز می‌نمایاند: «اثر حاضر، شامل یک مقدمه و دو بخش کلی است. بخش اول، شامل چهار فصل است که هر کدام از فصل‌ها، چندین گفتار را در بر می‌گیرد. این بخش، در واقع مقدمه پژوهش است. در فصل اول، حیات‌فردی و اجتماعی آیت‌الله سیدمصطفی خمینی از زبان خانواده وی، از جمله مادر گرامیشان، خواهر و همسرشان روایت شده است. برای پوشش بیشتر موضوع در این فصل، خاطراتی نیز از دوستان وی ذکر گردیده است. فصل دوم این اثر، حیات علمی شامل: تحصیل، تدریس و تألیفات سید را در بر می‌گیرد. فصل سوم، درباره حیات سیاسی وی از آغاز تا پایان را بازمی‌گوید و فصل چهارم – که مهم‌ترین فصل این بخش نیز هست – شهادت مرموز سیدمصطفی خمینی و پیامدهای آن برای نهضت اسلامی را بررسی می‌کند. بخش دوم کتاب حاضر نیز، شامل فهرست موضوعی و نسخ‌های از اسناد درباره شهادت سید مصطفی و مراسم‌های یادبود وی و همچنین تحلیل‌های ساواک از پیامدهای آن است. به عنوان مثال، براساس یکی از اسناد مهم این کتاب، ساواک درباره شهادت حاج آقا مصطفی تحلیل کرده مرگ مصطفی خمینی، در بالا بردن شأن و وجهه پدرش بین قاطبه مردم، بسیار مؤثر بوده است. در بخش اسناد این اثر، همچنین ابعاد گوناگون مجالس ترحیم از منظر برگزارکنندگان، رژیم پهلوی و ساواک به تصویر کشیده شده است. مطالب مدخل پژوهشی، با گادشمار زندگی سیدمصطفی به پایان می‌رسد…»

■ **انوشه میر معشی**

ساده زیستی، مردمداری و پاکدستی، سه صفتی است که قاطبه مردم ایران در کنار کار آمدی و تخصص، از عموم مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند. اما وقوع برخی عملکردهای خطا و بعضی سوءاستفاده‌ها از قدرت و ویژه خواری‌ها در میان بخشی از مسئولان کشور و البته تکرار غیرعادی اخبار مربوط به آن در فضای رسانه‌ای، موجب گشته که بخشی از مردم نگاه بدبینانه‌ای به مجموعه بدنه مدیرانی پیدا کنند؛ در حالیکه قطعاً مدیران ویژه خوار، نجومی بگیر و فاسد، بخش کوچکی از بدنه مدیریتی کشور بوده و هستند و از قضا بخش قابل توجهی از مدیران رده بالای نظام، به همین دلیل در این پاکدست، ساده‌زیست و مردم‌دار بوده و می‌باشند. اما از آنجا که رسانه‌ها کمتر به معرفی، انتقال تجربه و تقدیر از این افراد اقدام کرده‌اند، مردم شناسختی از آنها ندارند. به همین دلیل در این مقال و به باری خدای توانا در مقالات بعدی، قصد داریم تا به معرفی تجربیات و عملکرد موفق و درخشان بخشی از مدیران پاکدست، کارآمد و مره‌مسدار، در طول عمر بیش از چهارده‌ه‌ای نظام بپردازیم. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب در وی بخش کوچکی از تجربیات و عملکرد موفق و عمومی و عموم علاقمندان را، مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **پدیده‌ای به نام دکتر عباس شیبانی!**

از چهره‌های درخشان سیاسی معاصر ایران که عمری را در مبارزه و تلاش گذراند و سال‌های طولانی در کسوت وزیر، چندین دوره نماینده مجلس، چندین دوره نماینده شورای شهر و… به مردم خدمت کرد، زنده یاد دکتر عباس شیبانی است. دکتر شیبانی از جمله مسئولان به شدت خدوم، ساده‌زیست و پاکدستی بود که دوست و دشمن، به وجود این صفات در وی اعتراف داشتند. اغلب سیاستمداران کشور و حتی علاقمندان به حوزه سیاست می‌دانستند که دکتر شیبانی به محض دریافت حقوق، یک پنجمش را به عنوان خمس کنار می‌گذارد. وی در سالیان طولانی، با پیکانی قدیمی و همواره نیازمند به تعمیر، جابه‌جا می‌شد. خانهای از خود نداشت و در منزل

## رهبان

**رهبر معظم انقلاب اسلامی در باب دوگانه تخصص و تعهد، در دیدار جمعی از کارگزاران نظام فرمودند: «هم تعهد، هم تخصص، زیرا! بحمدالله، مدیران خوبی تربیت شده‌اند و شخصیت‌های برجسته‌ای هستند…»**
**این نکته واقعیت غیر قابل انکاری است که رسانه‌ها برای بازنمایی آن کم کاری کرده‌اند. کم کاری‌ای که باید با معرفی مدیران متعهد، متخصص و پاکدست نظام جمهوری اسلامی، به سرعت جبران شود**



خرداد ۱۳۵۸، دکتر عباس شیبانی در مراسم افتتاحیه اولین دوره مجلس

## د

**اغلب سیاستمداران کشور و حتی علاقمندان به حوزه سیاست می‌دانستند که دکتر عباس شیبانی به محض دریافت حقوق، یک پنجمش را به عنوان خمس کنار می‌گذارد. وی در سالیان طولانی، با پیکانی قدیمی و همواره نیازمند به تعمیر، جابه‌جا می‌شد! خانهای از خود نداشت و در منزل آریه‌ای همسرش زندگی می‌کرد. به شدت در انجام کارهای خیر فعال و از طرف دیگر در حوزه فعالیت‌های خویش، با جدیت پیگیر حل مشکلات مردم بود**

## انان کارآمد و پاکدست اما بی‌ نشان بودند!

طرف دیگر با برگزاری جلسات با نانو‌ها و توجیه آنها و البته بر طرف کردن بخشی از مشکلات‌شان، آنها را از بر گزاری اعتصاب منصرف می‌سازند. دکتر خدالی بعد از رفع مشکل کمیود ذخیره گندم در سیلواها، به فکر ایجاد تغییراتی در ساختار وزارتخانه بازرگانی می‌افتد. ایشان یک دغدغه بسیار مهم داشته‌است و آن اینکه در این وزارتخانه، باید بیش از واردات به صادرات اهمیت داده شود. برای همین در بخشی از ساختمان وزارتخانه، مجموعه اتاق‌هایی را ایجاد می‌کند و نام آن را «مرکز خدمات صادراتی» می‌گذارد. در واقع ایشان با هدف اینکه صادرکنندگان در همان بدو ورود به ساختمان وزارتخانه، بدون معطلی و خارج از بروکراسی اداری، بتوانند کارهایشان را انجام بدهند، این بخش را ایجاد می‌کند. کاری که در آن مقطع، به افزایش صادرات و درآمدهای ارزی کشور منجر می‌شود.

به دلیل عملکرد بسیار خوب دکتر خدالی در حل مشکل ذخیره سیلوهای گندم، ایشان در سال ۱۳۷۳ ش، به ریاست سازمان تازه تأسیس «بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات» منصوب می‌شود. دو سال بعد نیز که این سازمان ارتقا پیدا می‌کند، باز به عنوان رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان ترفیع یافته و با «سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان» همکاری خویش می‌دهد. در این مقطع دکتر خدالی علاوه بر نظارت بر بخش‌های مختلف، با هدف برنترد وضعیت بازار، روی مبارزه با برخی رانت خواری‌ها و ویژه‌خواری‌ها متمرکز می‌شود. به طورمثال به پرونده دو شرکت خودرویی که یکی واردکننده خودرو بوده و دیگری خودروساز (ایران خودرو)، ورود می‌نماید. این دو شرکت بدون پرداخت مابه‌التفاوت قیمت خودروهای به فروش رفته‌شان به سازمان حمایت، تخلفات دیگری هم در بخش استاندارد داشتند. دکتر خدالی بعد از بررسی کامل پرونده و ثبت تخلفات این دو شرکت، ابتدا مدارک تخلفات ثبت شده را به دارایی می‌فرستد و پس از تعیین مسدودی تلفن‌ها و ممنوع‌الخروجی مدیران آنها می‌کند. البته و متأسفانه این دو شرکت، با لابی‌هایی

که در مراحل بعد با برخی نمایندگان مجلس و بعضی دولتی‌ها انجام می‌دهند، عملاً جلوی کار دکتر خدالی را می‌گیرند و چون دولت سازندگی با وجود اعتراضات ایشان، حمایتی از اقدامات ضدفسادش نمی‌کند، دکتر خدالی مجبور می‌شود تا استعفا بدهد!

متأسفانه مشابه همین اتفاق، یک دهه بعد برای ایشان پیش می‌آید و رسماً عزل می‌شود؛ به این شکل که بعد از انتصاب دکتر خدالی در وزارت نفت در سال ۸۸ به عنوان معاون بخش فروش نفت، عملکرد درخشانی در دور زدن تحریم‌ها و پیشبرد اهداف این وزارتخانه از خود نشان می‌دهد. اما با این حال بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ ش، و رأی اعتماد گرفتن بیژن نامدار زنگنه به عنوان وزیر نفت دولت آقای حسن روحانی، در همان روز دکتر خدالی عزل می‌شود و شخص دیگری به جای وی منصوب می‌گردد. اتفاق نامبارکی که هم منجره جریان افتادن پرونده نفتی کر سنت در سطح بین‌الملل می‌شود، در حالی که در آن پرونده پای شخص زنگنه در تخلفات و دادن رشوه به شرکت توتال از سوی مهدی هاشمی رفسنجانی در میان بوده است و هم اینکه با عزل ایشان، فروش نفت با افت شدید در سال‌های بعد، در دولت موسوم به تدبیر و امید مواجه می‌شود(۲). دکتر احمد خدالی در ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ ش، دعوت حق را لبیک گفت.

■ **آهنگساز انقلابی و حل مشکل تأخیر پروازها!**

سیدحمید شاهنگیان که یکی از چهره‌های ماندگار ایران در زمینه ساخت سرودهای انقلابی است، یک وجه شخصیتی دیگر نیز دارد که شاید بخشی از مردم کمتر آن را می‌شناسند. این جنبه همان توانایی مدیریتی اوست که کارنامه درخشانی را در تاریخ انقلاب اسلامی به جای گذاشته است. اولین مسئولیت شاهنگیان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، انتصاب وی به عنوان مسئول ارزیابی و گزینش نیروی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. پس از آن نیز پایه‌ریزی تشکیل «بنیاد هنری مستضعفان»، با کمک علی زندی، حمید یگانه و قاسم دهقان را بر عهده داشته است. تشکیلاتی که به سروسامان گرفتن مدیریت

سالن‌های سینمایی و تئاتر می‌انجامد. البته بعد از آن ایشان در بهمن ۱۳۵۹ ش، مدیر واحد موسیقی صداوسیما می‌شود. آن هم در حالیکه بخشی از بدنه فعال در این واحد، هیچ اعتقادی به آقای شاهنگیان برای رفع این معضل، سه روش

در پیش می‌گرد:

**اول:** تعدیل نیروهایی که ضدیت کامل با انقلاب اسلامی داشته‌اند.

**دوم:** جذب افرادی که گرایشات دینی داشتند و در گردن شان در ساخت آثار انقلابی.

**سوم:** وارد کردن نیروهای انقلابی متخصص، به این واحد و ساخت آثار ماندگار توسط این گروه. در زمستان سال ۱۳۶۰ ش، اما، آقای شاهنگیان به مدیرعاملی شرکت هواپیمایی آسمان منصوب می‌شود؛ در این شرکت، مدیریت و وضعیت این شرکت هواپیمایی، پنج سال بوده که طی آن با وجود جنگ و تحریم، می‌تواند بخشی از مشکلات را کاملاً حل کند و بخشی دیگر را با روش‌های این شرکت هواپیمایی، پنج سال بوده که طی آن با وجود جنگ و تحریم، می‌تواند بخشی از مشکلات را کاملاً حل کند و بخشی دیگر را با روش‌های گوناگون بی اثر سازد، تا کار پروازها متوقف نشود. ایشان برای حل معضل تأخیرهای طولانی پرواز،

در کتاب خاطراتش می‌گوید: «دیدم که بیشترین دلیل تأخیر پروازها، تأخیر گروه پروازی است. این را باید حل می‌کردم. بالا و پایین کردم، گزینه‌های مختلف و احتمالات را ردیف کردم. از نقش و سهم راننده بگیر، تا فرسوده بودن ماشین‌ها را بررسی کردم و دیدم که با چند تغییر کوچک، می‌شود مشکل را حل کرد. راه حلی که به نظرم رسید، را آیین‌نامه کردم و به همه کارکن ابلاغ کردم. در نتیجه میزان متوسط تأخیر در پروازها، به شکل محسوسی پایین آمد(۳)»

■ **مرد قانون در گمرک**

آقای رضا محلوچی از مدیران پاکدست و قانونگرای است که سال‌ها در بخش‌های مختلف گمرکات کشور مسئول بوده است. ایشان، این فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ شمسی، رئیس گمرکات بندرهای بوشهر و امام خمینی بوده و خاطرات خود را از آن دوران پرالتهاپ و حساس، ثبت شده است. از خلال خاطرات آقای محلوچی، می‌توان ابتکارات مدیریتی، قانونگرایی و سلامت مالی را در عملکرد نامبرده دید. به طورمثال در همان سال ۵۸ – که ایشان رئیس بندر بوشهر بوده است – با قانونگرایی ناسامانه‌ای این دوران را به سامان می‌رساند. خود ایشان درباره این موضوع بیان می‌دارد: «گزارشات مکرر از

گمرکات کوچک و بزرگ استان، حکایت از آن داشت که اکثریت لنج‌های تجاری که بین ایران و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس تردد داشتند، بدون ضوابط موجود و عدم رعایت نظم، با ایجاد هرج و مرج و از هر بندری که بخواهند، بارگیری و سپس محصولات خود را به هر بندری که بخواهند، حمل و نقل می‌کنند…» جناب محلوچی برای حل این معضل، بخشنامه‌ای با این مضمون صادر می‌کند: «مالکان و کارکنان کلیه شاورهایی که در گمرکات و بنادر تابعه گمرک بوشهر تردد می‌کنند، موظف هستند محصولات خود را به همان بندری حمل نمایند که وسیله باری خود را به ثبت رسانیده‌اند. یعنی بارهای تجاری و کالاهای ملوانی را، فقط به مقصد بندر و گمرک محلی خویش بارگیری کنند و در همان محل هم، تخلیه کنند…» با اجرای جدی و به دور از

مسامحه این بخشنامه، تمام دفاتر گمرکی تابعه

بندر بوشهر سروسامان می‌گیرد. داستان راهکار پیدا کردن برای مقابله با مصوبه غلط و دردرساز هیئت دولت در سال ۱۳۶۳، ش نیز، از نقاط درخشان حیات مدیریتی آقای محلوچی است. هیئت دولت در آن زمان مصوب کرده بود که هر ایرانی اجازه خواهد داشت، معادل مبلغ ۱۰ هزار تومان آنکه در آن زمان مبلغ زیادی محسوب می‌شد، آکالی مجاز به کشور وارد و از گمرکات مربوطه ترخیص نماید. یعنی بر طبق آن مصوبه، ورود کالا بدون نیماز به کارت بازرگانی و بدون ثبت سفارش و فقط با شناسنامه، امکانپذیر شده بود. به این شکل جمع آوری شناسنامه افراد توسط دلالان و واردات بی‌رویه کالا به این روش، آغاز شد. جناب محلوچی که با این معضل مواجه می‌شود و به عینه خلافتکاری دلالان را علیه اقتصاد کشور مشاهده می‌کند، با مشورت دوستانش اقدام به صدور یک مصوبه انقلابی می‌نماید. بر طبق آن مصوبه، کارمندان گمرک بنادر تحت مدیریت ایشان موظف می‌شوند: «در مورد کالاهای شناسنامه‌ای صرف‌نظر از قیودات مساده ۱۰۰ قانون امور گمرکات، نسبت به درج چندین ردیف از مانیفست کالا تا آنجا که میسر باشد، باسند، باقید نام افراد مختلف (همه در یک برگه سبز) ثبت و با جمع کالاهای و قید آنها فقط در یک برگه پروانه سبز گمرکی اقدام نمایند…» با اجرای مقتدرانه این مصوبه، جلوی کار بخش زیادی از دلالان و اخلاگران اقتصادی در بخش گمرک گرفته می‌شود(۴).

■ **شنیدن شکایات مردم**

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ ش، در دیدار با مسئولان نظام درباره مردمی بودن و شنیدن مسائل و مشکلات مردم، چنین فرموده بودند: «حضور در بین مردم و این سفرهای استانی، یک کار بسیار باارزشی است، کار خوبی است و گره‌گشااست. یک چیزهایی هست که انسان تا در عرصه میدانی مشاهده نکند، خودش نبیند، یا از مردمی که در عرصه حضور دارند نشنود، یا اخبار موثقی را کسانی که می‌روند و می‌بینند به انسان منتقل نکنند تا این نباشد سمنی‌شود واقعبات را فهمید و براساس آنها برنامه‌ریزی کرد…»

شاید بتوان یکی از اسوه‌های مدیریتی کشور در عرصه مردمداری و پیگیری مشکلات مردم، را شهید ابوالفضل کلانتری دانست. ایشان در دوران خدمتش در مخابرات استان تهران، مدتی را مدیر بخش شبکه کابل و انتقال منطقه پنج بود. در آن دوره شهید کلانتری در هر هفته، زمان خاصی را برای شنیدن شکایات ارباب رجوع اختصاص می‌داد. سپس با تقسیم کار میان همکارانی که عضو انجمن اسلامی بودند و دغدغه انقلابی داشتند، رسیدگی به درخواست‌ها و شکایات ارباب رجوع‌ها را شروع می‌کردند. به این ترتیب علاوه بر انجام کار مردمی با شناسایی کم کاری‌ها یا افعال کاری برخی از کارمندان، تذکرات لازم به آنها داده می‌شد و از طرف دیگر، بقیه کارمندان بیش از گذشته به انجام وظایفشان مقید می‌شدند(۵). ابوالفضل کلانتری با وجود داشتن سمت مدیریتی در مخابرات، از رقتن به جبهه‌های جنگ غافل نبود و هر از گاهی در عملیات‌ها شرکت می‌کرد. اما خداوند اینگونه مقدر فرمود که ایشان در جریان عملیات درصاه، در مرداد ۱۳۶۷ ش، در در جنگ با منافقین به شهادت برسد.

■ **کلام آخر**

بعد از تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران با رأی قاطع اکثریت مردم، یک بحث مهم در فضای اجتماعی و سیاسی کشور ایجاد شد که بر مبنای دو گانه «تعهد و تخصص» شکل گرفته بود. برخی، انقلابیون را افراد متعهدی می‌خواندند که تخصص لازم برای به دست گرفتن مسئولیت‌های مختلف در ارکان نظام ندارند و البته از انظر انقلابیونی بودند که مدیران بخش مبنای کشور را – که عمدتاً از دوران قبل از انقلاب در اداره و سازمان‌ها حضور داشتند – بی‌تجربه و بی‌گرم لازم برای حوزه مسئولیت‌شان می‌شمردند. این مباحث تا دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت. به همین علت رهبر معظم انقلاب اسلامی در سوم شهریور ۱۳۷۲ ش، در دیدار جمعی از کارگزاران نظام فرمودند: «هم تعهد، هم تخصص، زیرا بحمدالله، مدیران خوبی تربیت شده‌اند و شخصیت‌های برجسته‌ای هستند…» این نکته یعنی وجود «مدیران خوب و شخصیت‌های برجسته»، دقیقاً واقعیت غیرقابل انکاری است که رسانه‌ها برای بازنمایی آن کم کاری کرده‌اند. کم کاری که باید با معرفی، شرح اقدامات و تقدیر از مدیران متعهد و متخصص و پاکدست نظام جمهوری اسلامی، به سرعت جبران شود.

**منابع:**

۱-خبرگزاری فارس، مطلب «دکتر عباس شیبانی و پیکان قراضه‌ش»، مورخ ۱۱ دی ۱۴۰۱ ش. به نشانی: *https://www.Farsnews*

۲- زمانیان- رحیمی، محمدعلی- محمدمهدی، «جولان جوانمرد»- خاطرات شفاهی دکتر احمد خدالی، انتشارات راه پار، چاپ اول ۱۴۰۱ ش. صفحات ۱۲۴ تا ۲۱۸، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۱۹

۳- رشیدی، روح‌الله، «برخیزید»- خاطرات شفاهی سیدحمید شاهنگیان-، نشر راه پار، چاپ سوم ۱۴۰۰ ش. صفحات ۱۲۴، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۵ و ۱۵۷

۴- محلوچی، رضا، «ریاب رجوع آنان گو»- ماجراهای خاطره انگیز گمرکات جنوب (بندر بوشهر و امام خمینی) از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ ش.-، نشر ترانه، چاپ اول ۱۳۹۴ ش. صفحات ۷۴، ۷۴، ۱۲۳

۵- کریمی واقف، «چه‌های مخابرات»- شرحی بر زندگی و خاطرات شهید ابوالفضل کلانتری-، انتشارات عابد، چاپ اول ۱۳۹۷ ش. ص ۸۹

►

دکتر احمد خدالی در حال امضای یک تفاهتنامه در دوران مسئولیت در وزارت نفت

